

مشاهیر و اندیشمندان اتریش

زبان رسمی کشور اتریش آلمانی است که به گویش های متفاوت صحبت می شود. همچنین در بعضی مناطق اتریش زبان های اسلوانی، کرواتی و چکی نیز تکلم می گردد. در کل قریب 92/3 در صد آلمانی، 2 در صد سربی، 1/5 در صد ترکی، 0/8 در صد کرواسی، 0/4 در صد اسلوانی، 0/1 در صد مجاری و 0/2 در صد چکی صحبت می کنند. خط رسمی اتریش لاتین می باشد.

شعر و ادبیات

اولین اثر ادبی که به آن در اتریش برخورد می کنیم، دیوان شعری از دیر «فُرا¹» مربوط به سال 1150 است. در طی قرون دوازدهم و سیزدهم، در کنار اشعار دینی، شاهد بوجود آمدن اشعار درباری و «شوالیه ای» هستیم که در آثار «والتر فن فگل و ایده²» نقطه اوج این نوع اشعار را می بینیم.

کتاب تصنیف «نیبلونگن³» که از سال 1200 به جای مانده است، جزء مهمترین آثار حماسی اروپا می باشد. امپراطور ماکسیمیلیان اول نیز که بین سال های 1459 تا 1519 می زیسته و لقب آخرین شوالیه را



منبت ماکسیمیلیان

به او داده اند، خود شاعر بوده و هنر درامتیک را گسترش داده است. اپراهای مجلل و جشنواره های هنرهای تجسمی قرن 17 که اکثراً با شرکت کل دربار سلطنتی اجرا می شدند، خود باعث توسعه درام های مردمی-معنوی شدند. البته آثار این هنر را امروزه در ادبیات تعزیه ای کشاورزان می بینیم. درام مدرسی که در قرن 16 توسط کلیسای کاتولیک رواج یافته، از ارزشی والا در رابطه با گسترش علوم دینی در بین اقشار مختلف مردم برخوردار است. هنر و فرهنگ اتریش تا امروز تحت تأثیر «باروک»⁴ قرار گرفته است. در این دوره اتریش مرکز فرهنگ نمایی و تئاتر در اروپا بوده و در دربار وین اپراهای مجلل و باله های باشکوه اجرا می شدند.

مکتب کلاسیک و کمّی مردمی

از جمله شاعران بزرگ آلمانی زبان دوران کلاسیک و پساکلاسیک می توان از «فرانتس گریل پارتزر»⁵ نام برد. یکی از ویژگی های کارهای او تلفیق عناصر تئاتر باروک اسپانیا و اتریش با تئاتر مردمی وین و درام های کلاسیک می باشد. نوشتار، انگیزه و شخصیت پردازی او که حتی مدرن به نظر می رسد پافراتر از روش «کلاسیک و ایما»⁶ می نهد.

گریل پارتزر 1719-1872



کمّی مردمی وین سیر موفقیت خود را با کتاب و شخصیت

«هانس وورست»⁷ اثر «یوزف

آنتون سترانتزکی»⁸ آغاز کرد.

دو نمونه از شخصیت های شاخص کمدی مردمی وین در قرن 19 «فردیناند ریموند»⁹ با اثرش «پادشاه آلپ و دشمن بشر»¹⁰ و «یوهان نستروی»¹¹ با اثرش به نام «آزادی در کروینکل»¹² هستند. آثار این دو نویسنده جزء مهمترین برنامه ها در صحنه تئاتر اتریش محسوب می شوند.



آرتور شنیتزler

هنر نمایش تا آن زمان، نوشتن درام را شدیداً حمایت کرده بود، ولیکن «آدالبرت شتیفت»¹³ با اثرش «روزهای آخر تابستان»¹⁴ و «چارلز سیلزفیلد»¹⁵ که نام واقعهش «کارل پستل»¹⁶ تازه پس از مرگش فاش شد در زمینه ادبیات حماسی به شهرت جهانی دست یافتند.

«ماری فن ابنر اشن باخ»¹⁷ متأثر از همدردی های اجتماعی، حکایات و رمان هایی از خود به جای گذاشته است که به همراه حکایات «فردیناند فن سار»¹⁸ مهمترین آثار نثر اتریشی در قرن 19 به حساب می آیند. «نکلاوس لئا»¹⁹ برای نظم آلمانی انگیزه های جدیدی در مجارستان و آمریکا یافت.

فن دو سیکل 20- پایان قرن

حوالی سال 1890 تغییراتی در صحنه ادبیات اتریش رخ داد. شاعر «هرمان باهر»²¹ یکی از طرفداران دگرگونی های پی در پی در سبک های هنری بوده است. یکی از موفق ترین این جوامع «سرتسیون»²² بود که راه را برای ایمپرسیونیسم در شعر و نقاشی باز کرد. در اواخر قرن 19 میلادی و اوایل قرن 20

«هوگو فن هوفمنز تال»²³ و «آرتور شنیتر لر»²⁴ حیات نوینی به جهان هنر وین بخشیدند.

هوفمنز تال همچنین متن ابراهای گوناگونی همچون «آریادنه در ناکسوس»²⁵، «الکتر»²⁶ و «شوالیه گل سرخ»²⁷ را برای «ریچارد شتراوس»²⁸ نوشته است.

ولیکن معروفیت هوفمنز تال بخصوص بخاطر احیای سبک نوشتارهای قرون وسطای اوست. نمایشنامه «یدرمان»²⁹ - هر کس- او هر ساله نقطه عطف جشنواره سالزبورگ است. درام ها و حکایات پر از نکات روانشناسانه و حساس آرتور شنیتر لر نفوذ قوی روان کاوی «سیگموند فروید»³⁰ کاملاً محسوس است.



هوفمنز تال

همچنین نقش بندی، شخصیت سازی و هویت «دختر شیرین وینی» نیز از جمله کارهای آرتور شنیتر لر است. «شتفان تسوایگ»³¹ در کتاب «دنیای دیروز»³² نمایانگر مراحل تحلیل روان خاص سرداران تاریخ است.

یکی از طرفداران حقیقت و سادگی بیان «کارل کراوس»³³ ناشر مجله انتقادی «دی فاکل»³⁴، «مشعل» بوده است. در مقابل این مجله در شهر اینسبروک «لودویگ فن فیکر»³⁵ مجله «در برنر»³⁶ را می نوشت. در کنار وین، پراگ نیز یک مرکز ادبی بود. از این شهر ادیبان رومانیک چون «فرانتس



کارل کراوس 1874-1936

ورفل³⁷»، شاعر «رابنر ماریا ریلکه³⁸» و
«فرانتس کافکا³⁹» که در تمثیلات خود
سردی و جبر زندگی را بیان می‌کند، آوازه
جهانی کسب کردند.

زمان بین دو جنگ جهانی

یک دوره انحطاطی در حیات معنوی اتریش،
سال 1918 بود که مصادف با انقراض
سلطنت اتریش شد. کتاب «روزهای آخر
بشریت⁴⁰» نوشته کارل کراوس بیانگر
انتقادات اجتماعی-سیاسی و رویدادهای آن
زمان است. روش وی در این کتب تلفیق
گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و خبر روزنامه‌ها
بوده است.

همچنین نویسندگانی همچون «یوزف رت⁴¹»
و «روبرت موسیل⁴²» آثاری پیرامون
فروپاشی سلطنت اتریش و مجاز نوشته‌اند.
رومان‌های «رت» همچون «مارش
رادتسکی⁴³» و «کاپوسینیر گروفت⁴⁴» و
کتاب «مرد بی خصوصیت⁴⁵» نوشته موسیل
از جمله آثاری هستند که هویت ادبی جدیدی
به اتریش داده‌اند.

از طرفی «گئورگ تراکل⁴⁶» که
متولد سالزبورگ بوده با اشعار
ایمپرسیونیستی‌اش مهم‌ترین شاعر
آن زمان محسوب می‌شود هر
چند که او در خفقان جنگ جهانی
اول خودکشی کرد.

نقاش و شاعر «آلبرت پاریس گوترزلوه⁴⁷»
فعالیت‌هایی در زمینه‌های کارگردانی و



یوزف رت 1894-1939

هنرپيشگي نيز داشته است. درام هاي عجيب
«فريتز فن هرتزمانوسكي-ارلانوس⁴⁸»
همچون «خر ترسان در تور گل رز⁴⁹» از
روحيه درباري-اداري و اتريشي انتقاد مي
کند و البته اين انتقادات تا حدي نيز در دنياي
امروز صحت دارند.

از لحاظ هنري، سلطنت تازه در سال 1938،
يعني با الحاق اتریش به رایش سوم و هیتلر
به خاتمه رسيد چرا
که تا آن زمان عناصری از باروک و
«بيدرماير⁵⁰» همچنان نقش مهمی در
فرهنگ اتریش بازي می کردند.

از سال 1945 تاکنون

از پايان جنگ جهاني دوم ادبيات اتریش در
جوانب مختلفي تحول پيدا کرد. در کنار
رويکرد اتریش نسبت به آنگارد بين المللي،
جنبش هاي محافظه کارانه نيز ديده مي شوند.

چهره هايی چون «فرانتس تئودور
چکور⁵¹»، «ماکس مل⁵²»، «فرانتس
ناپل⁵³»، «پائلا گرگر⁵⁴» و
«آلکساندر لرننت-هولينا⁵⁵» کاملاً به
آداب و رسوم قديم وابسته بودند.
رومان نگار «همیتو فن ددر⁵⁶»
دو دهه بعد از جنگ جزء سرشناس
ترين نويسندگان به حساب می آمد.

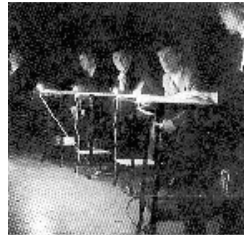
آثار او همانند «پلکان شترودل هف⁵⁷» و يا
«اجنه⁵⁸» اوایل جمهوري اول اتریش را
تجسم می نمایند.



ددر 1896-1966

نویسنده دیگر «دوروتنا تزمان»⁵⁹ در کتاب «دوشیزه و خزنده»⁶⁰ روابط خود با «ددر» را بدون هیچگونه پرده پوشی بیان می‌کند. به عنوان آخرین بازمانده ادبیات قهوه خانه ای اتریشی-یهودی، «فریدریش توربرگ»⁶¹ این گونه داستان‌ها را تحت عنوان «خاله یولش»⁶² به رشته تحریر در آورد. البته توربرگ چندی بعد به آمریکا مهاجرت کرد. «هیلده شپیل»⁶³ نیز مجبور به فرار به انگلستان شد، این خانم نویسنده و منتقد بوسيله خاطرات زندگيش تحت عنوان «کدام دنیا، دنیای من است؟»⁶⁴ به موفقیت شایانی دست یافت.

با تلاش «ها. تسه. آرتمان»⁶⁵ در دهه پنجاه «گروه وین»⁶⁶ که متشکل از تعدادی از هنرمندان آوانگارد «کلوپ هنر»⁶⁷ وین» بود، تأسیس شد و در سال 1964 همکاری این گروه با خودکشی «کنراد بایر»⁶⁸ از هم گسسته گردید.



گروه وین

«گروه وین» از چهره‌هایی چون «فریدریش آخلیتنر»⁶⁹، «گرهارد روم»⁷⁰ و «اسوالد وینر»⁷¹ متشکل می‌شد و در همان زمان بود که «آقای کارل»⁷² پرورانده شد. او نقشی بود پیرامون فرد ساده لوحی از توده مردم که تنها به منافع خود نگاه می‌کرد. هنرپیشگان این نقش «هلموت کوالتینگر»⁷³ و «کارل مرتز»⁷⁴ بودند.

همچنین «اینگیبورگ باخمان»⁷⁵ که اشعار، تئاترهای صوتی و

رمان هايي همچون «مالينا»⁷⁶ نوشته است، از هنرمندان آوانگارد اين دوره بود.

«باربارا فریشموت»⁷⁷ با نوشته خود تحت عنوان «افسانه هاي حقيقي»⁷⁸، تخیل و اعتماد به نفس اجتماعي را پیوند مي زند. پیشکسوتان اين نسل «هانس وایگل»⁷⁹ و «گر هارد فریچ»⁸⁰ بودند.

«فریتس هوخ ولسر»⁸¹ و «الیاس کانتی»⁸² با درام هاي خود شهرت جهاني کسب کردند. همچنین «کریستینه لاوانت»⁸³ و «کریستینه بوستا»⁸⁴ با اشعار خود مشهور شدند.



الیاس کانتی (چپ) و فرانتس

«گرتروود فوسن اگر»⁸⁵ با رومان هایش پیرامون تاریخ بوهیمای قدم به عرصه هنر گذاشت. شعري از «پائل سلان»⁸⁶ تحت عنوان «بند مرگ»⁸⁷ که پیرامون قربانیان بازداشتگاه هاي رژیم «ان. اس»⁸⁸ مي باشد از جمله اشعار پراحساس در ادبیات جهان است.

پرفروشترین و پرانتشارترین اثر مربوط به دهه هشتاد را «توماس برنهارد»⁸⁹ به رشته تحریر درآورد. تمثیل ها، حکایات و رمان هاي او حول و محور نکات کاملاً منفي جهان مي باشند که انسان را تا حدی نیز به یاد «ساموئل بکت»⁹⁰ مي اندازند.



توماس برنهارد

نمایشنامه های او همچون «جشنی برای بوریس»⁹¹، «شکارچیان»⁹²، «سازندگان تئاتر»⁹³، «شوالیه، دنه و س»⁹⁴ و «هلدن پلاتز»⁹⁵ ترکیبی از افکار و زندگی قرن بیستم و سخنوری عصر باروک هستند. توماس برنهارد به شدت متأثر از فیلسوف اتریشی-انگلیسی «لودویگ ویتگن شتاین»⁹⁶ و انتقاد از فرهنگ زبان او بوده است.



پتر هانکه

کتاب و آثار «پتر هانکه»⁹⁷ در دهه شصت و هفتاد به شدت تحت تأثیر «درون نگری» قرار گرفته اند، در صورتی که نویسندگان دیگر آن زمان توجه خود را معطوف به نکات سیاسی کرده بودند. «بدبختی بی آرزو»⁹⁸ کتابی در باره مادر او که سرانجام خودکشی کرده است، جزء کتاب کلاسیک ادبیات جهان محسوب میشود. او با قطعات «توهین به تماشاچیان»⁹⁹ و «کاسپار»¹⁰⁰ محبوبیت عظیمی کسب کرد. همچنین درام های دیگر او همچون «درباره دهات»¹⁰¹، «بازی پرسش ها»¹⁰²، «ساعتی که ما از هم چیزی نمی دانستیم»¹⁰³ (نمایش بدون کلام) و «مجهز شدن برای جاودانگی»¹⁰⁴. بسیار موفقیت

آمیز بودند. او همچنین کتبی از نویسندگان اسلونی کرنتن همچون «فلوریان لیپوش¹⁰⁵» و «گوستا یانوش¹⁰⁶» را نیز ترجمه کرده است.

یکی دیگر از شاعران تئاتر معاصر «ولفگانگ باور¹⁰⁷» است، وی تئاتر مردمی را با گویش های عامی در آمیخت. قطعه ای از او با نام «مجیک آفرونون¹⁰⁸» جامعه هنرمندان صاحب افکار قدیمی را بسیار تحریک کرده است.

یکی از نویسندگان قطعات مردمی انتقادی، «پتر تورینی¹⁰⁹»، با قطعه «شکار موش ها¹¹⁰» جنجال بسیاری به پا کرد.

همچنین سریال های تلویزیونی او تحت عنوان «افسانه های آلپ¹¹¹» با کمک نویسندگی «ویلهلم پونی¹¹²» و «افسانه کارگران¹¹³» با کمک نویسندگی «رودی پالا¹¹⁴» و «دیتز برنر¹¹⁵» از شاهکارهای صدا و سیما می باشند.



پتر تورینی (وسط) و ویلهلم

توجه به سوژه جامعه و جهان کارگری در نوشته های «فرانتز اینر هوفر¹¹⁶»، «گرنوت و فلگروبر¹¹⁷»، «هلموت تزنکر¹¹⁸» و «میشائل شارانک¹¹⁹» قابل رویت است.

آداب و رسوم، فرهنگ زبان در اتریش و واژه یابی را «ایلزه آیشینگر¹²⁰»، «یولیان شووتینگ¹²¹»، «پتر روسی¹²²» و «آلویس براندشتیر¹²³» همچنان گسترش می دهند. نوآوری و

آزمایش های زبانی یکی از ویژگی های اشعار «ارنست یاندل»¹²⁴ و «فردریکه میروکر»¹²⁵ می باشند.



فردریکه میروکر و ارنست

اشعار «تئودور کرامر»¹²⁶ حاوی انتقادات اجتماعی بسیاری در رابطه با جامعه روستایی است. از طرف دیگر «اریش فرید»¹²⁷ با اشعارش برای بسیاری يك «وجدان همگانی» بود.

بعضی از نویسندگان بین دو جنگ جهانی، بعدها معروف شدند. قطعه مردمی-انتقادی نویسنده «ادن فن هوروات»¹²⁸ نمایانگر عامه مردم و بدذاتی و بدطینتی آنان است. «یورا سویفر»¹²⁹ یکی از مهمترین شاعران سیاسی دهه سی بوده است و قطعات کاباره ای او (در ادبیات آلمانی این واژه بدان معنی است که نکات مختلف جامعه در قالب طنز بیان می شوند) همچنان امروزه اجرا می شوند.



آلبرت دراخ

وکیل «آلبرت دراخ»¹³⁰ در دهه هشتاد با کتاب طنزآمیزش «صورت جلسه بزرگ بر ضد درخت آلو»¹³¹ که در سال 1939 نوشته

شده بود، معروف شد. همچنین «آلو پروتز»¹³² برای رومان های تاریخی اش مشهوریت پیدا کرد.

در کنار نویسندگانی چون «هانکه» و «برنهارت»، نویسندگان جوانی نیز موفقیت های عظیمی کسب کردند. رومان های «کریستوف رانزمایر»¹³³، «جهان آخر»¹³⁴

و «بیماری کیتاهارا»¹³⁵ به انتقادات مثبتی دست یافتند.



الفریده پلینک

«الفریده پلینک»¹³⁶ با نمایش‌ها و رومان‌های انتقادی خود به طرفداری از برابری حقوقی برخاست. در این میان اثر «هوس»¹³⁷ نقش تخریب‌شده زنان در جامعه را افشا می‌کند.

گردونه رومان «آرشیو سکوت»¹³⁸ نوشته «گرهارد رت»¹³⁹ نمایانگر جوانب فکری میهنش است. «فلیکس میتر»¹⁴⁰ نمایشنامه نویسی تواناست که موضوعات روز را به رشته تحریر می‌کشد.

یکی از بهترین نویسندگان آلمانی زبان «یوهانس ماریو سیمل»¹⁴¹ است که یکی از نوشته‌های او «نباید که حتماً خاویار باشد»¹⁴² می‌باشد.

از مهمترین ایده‌های آینده ادبیات معاصر «ماریانه فریتز»¹⁴³، «الیزابت رایشارت»¹⁴⁴، «اریش هاکل»¹⁴⁵، «یوزف وینکلر»¹⁴⁶، «میشائل کلیمر»¹⁴⁷ و «ماریانه شتروویتز»¹⁴⁸ را می‌توان نام برد. «ورنر شواب»¹⁴⁹ سرشناس‌ترین درام‌نویس دوران معاصر بود.

انتشارات

در سال 1999، 6487 مقاله جدید ارائه شده‌اند و حدود 3455 مقاله هم‌اینک در کتاب‌فروشی‌ها در معرض ارائه‌اند. از این مقدار، 3337 کتاب، 85 نوع مجله و قریب 33 «نون بوک ماتریال» یعنی آثار غیرمکتوب همچون دیسک‌های

کامپیوتری، سی دی رم و غیره می باشند. بیش از 690 موسسه انتشارات در اتریش ثبت شده اند. در زمان بین دو جنگ موسسه انتشاراتی «تزلوئی»¹⁵⁰ مهمترین آدرس برای انتشار کتاب شد.

پس از جنگ تعداد موسسات انتشاراتی ازدیاد یافت و بسیاری از آنان مقر خود را در وین و شهرهای بزرگ دیگر قرار دادند برای مثال می توان از موسسه «کارل اوبرویتر»¹⁵¹ در وین، و یا از «سالزبورگ رزیدنس فرلاگ»¹⁵² که بخصوص هنر آوانگارد اتریش را ارائه می کند و در اختیار «بوندس فرلاگ»¹⁵³، انتشارات فدرال اتریش، می باشد، یا از «شپرینگر»¹⁵⁴ در وین که در زمینه های علمی کار می کند و از «سازمان چاپ و انتشار آکادمی گراتس»¹⁵⁵ که برای انتشار کتب قدیمی معروف است و انتشارات «ستیریا»¹⁵⁶ نام برد. انتشارات «لوکر»¹⁵⁷ و «پیکوس»¹⁵⁸ در وین در زمینه فرهنگی تخصص دارد و انتشارات «دراوا»¹⁵⁹ در کلاگنفورت کتب مختلفی به زبان اسلوانی و آلمانی چاپ می کند.

1 Stift Vorau

2 Walter von der Vogelweide

3 Nibelungenglied

4 Barock

5 Franz Grillpanzer

6 Weimarer Klassik

Hans Wurst	7
Josef Anton Stranitzky	8
Ferdinand Raimund	9
Alpenkönig und der Menschenfeind	10
Johann Nestroy	11
Freiheit in Krähwinkel	12
Adelbert Stifter	13
Der Nachsommer	14
Charles Sealsfield	15
Karl Postl	16
Marie von Ebner Eschenbach	17
Ferdinand von Saar	18
Nicklaus Lenau	19
Fin de Siecle	20
Hermann Bahr	21
Secession: به معنی جدائی گروهی از هنرمندان از سبک هنرمندان قدیم است.	22
Hugo von Hofmannsthal	23
Arthur Schnitzler	24
Ariadne auf Naxos	25
Elektra	26
Der Rosenkavalier	27
Richard Strauß	28
Jedermann	29
Sigmund Freud	30
Stephan Zweig	31
Die Welt von Gestern	32
Karl Kraus	33
Die Fackel	34
Ludwig von Ficker	35
Der Brenner	36
Franz Werfel	37
Rainer Maria Rilke	38
Franz Kafka	39
Die letzte Tage der Menschheit	40
Joseph Roth	41
Robert Musil	42

Radetzkmarsch	43
Kapuziner Gruft : در این آرامگاه خاندان سلطنتی اتریش دفن شده اند.	44
Der Mann ohne Eigenschaften	45
Georg Trackl	46
Albert Paris Gütersloh	47
Fritz von Herzmonovsky-Orlandos	48
Der Gaulschreck im Rosennetz	49
Biedermeier	50
Franz Theodor Csokor	51
Max Mell	52
Franz Nabl	53
Paula Grogger	54
Alexander Lernet-Holenia	55
Heimito Doderer	56
Strudelhofstiege	57
Die Dämonen	58
Dorothea Zeemann	59
Jungfrau und Reptil	60
Friedrich Torberg	61
Tante Jolesch	62
Hilde Spiel	63
Welche Welt ist meine Welt?	64
H.C. Artmann	65
Wiener Gruppe	66
Art Club	67
Konrad Bayer	68
Friedrich Achleitner	69
Gerhard Röhms	70
Oswald Wiener	71
Der Herr Karl	72
Helmut Qualtinger	73
Carl Merz	74
Ingeborg Bachmann	75
Malina	76
Barbara Frischmuth	77
Wirklichkeits-Märchen	78

Hans Weigel	79
Gerhard Fritsch	80
Fritz Hochwalder	81
Elias Canetti	82
Christine Lavant	83
Christine Busta	84
Gertrud Fussenegger	85
Paul Celan	86
Die Todesfuge	87
NS: مخفف National Sozialistisch است و کنایه از رژیم هیتلر می باشد.	88
Thomas Bernhard	89
Samuel Beckett	90
Ein Fest fur Boris	91
Die Jagdgesellschaft	92
Theatermacher	93
Ritter, Dene, Voss	94
Heldenplatz: میدان پهلوانان؛ میدانی در شهر وین است که هیتلر در آنجا سخنرانی کرده است.	95
Ludwig Wittgenstein	96
Peter Handke	97
Wunschloses Ungluck	98
Publikumbeschimpfen	99
Kaspar	100
Über die Dorfer	101
Spiel von Fragen	102
Die Stunde da wir nichts voneinander wussten	103
Die Zurustung fur Ewigkeit	104
Florian Lipos	105
Gustav Janus	106
Wolfgang Bauer	107
Magic Afternoon: واژه انگلیسی است و معنای آن «بعدازظهر سحرآمیز» است.	108
Peter Turini	109
Rozznjagd: لفظ محلی اتریش است و واژه صحیح آن Rattenjagd است.	110
Alpensaga	111
Wilhelm Pevny	112
Arbeitersaga	113

	Rudi Palla	114
	Dieter Berner	115
	Franz Innerhofer	116
	Gernot Wolfgruber	117
	Helmut Zenker	118
	Michael Scharang	119
	Elise Aichinger	120
	Julian Schutfling	121
	Peter Rosei	122
	Alois Brandstetter	123
	Ernst Jandl	124
	Fredrike Mayröcker	125
	Theodor Kramer	126
	Erich Fried	127
	Öden von Horvath	128
	Jura Soyfer	129
	Albert Drach	130
	Das Große Protokoll gegen Zwetschkenbaum	131
	Leo Perutz	132
	Christoph Ransmayr	133
	Die letzte Welt	134
	Morbus Kitahara	135
	Elfriede Jelinek	136
	Lust	137
	Das Archiv des Schweigens	138
	Gerhard Roth	139
	Felix Mitterer	140
	Johannes Mario Simmel	141
	Es muß nicht immer Kaviar sein	142
	Marianne Fritz	143
	Elisabeth Reichart	144
	Erich Hackl	145
	Josef Winkler	146
	Michael Köhlmeier	147
	Marianne Steerowitz	148
	Werner Schwab	149

Zsolnay Verlag	150
Carl Ueberreuter	151
Salzburger Residenz Verlag	152
Österreichisches Bundesverlag	153
Springer Verlag	154
Druck und Verlagsanstalt Graz	155
Styria Verlag	156
Löcker	157
Picus	158
Drava	159